

بخش دوم

پونديهوديان

با فرهنگ ايران زمين



پروفسور امنون نتصر در این  
بخش از گفت و گوها به  
بیان پیشینه تاریخی یهودیان  
ایران و سهم فرهنگی آنان  
در این سرزمین می پردازد

گفت و گوی بیست و چهارم

## یهودیان در ایران آئین زندگی خود را همیشه با شعر در هم می آمیختند



بانوان یهودی که برای تدارک دیدن جشن عروسی گرد هم آمده اند

پرسش - شما در چند گفت و گو بیان کردید که ما چندین شاعر یهودی داشتیم که به زبان فارسی شعر سرودند، ولی آن را به خط عبری می نوشتند و از این رو تا چند سال پیش کمتر کسی در بین ادیبان و پژوهشگران ایرانی می دانست که یهودیان نیز شاعر داشته اند. اکنون تقاضا داریم نمونه هائی از سروده های چند تن دیگر را جز شاهین و عمرانی بشنویم.

پاسخ - من در گفت و گوهای پیشین شماری از اشعار شاعران بزرگ یهودی را خواندم و اکنون می خواهم گلچین دیگری از سروده های این شاعران را ارائه کنم. این نمونه ها همگی در کتاب "منتخب اشعار" به صورت جامع تری آورده شده است.

می خواهم تاکید کنم که تا چه حد بین فرهنگ شعری و منظوم یهودیان ایران با ادبیات فارسی و سروده های دیگر ایرانی ها نوعی آمیختگی وجود دارد. به عنوان مثال، ساقی نامه عمرانی را بخوانید و متوجه می شوید که تا چه اندازه اشعار حافظ در سروده های او تاثیر

گذاشته است - و این با آن که عمرانی یکصد و اندی سال پس از حافظ به دنیا آمده بود - و به عبارت درست تر: تولد عمرانی در سال ۱۴۵۴ میلادی بوده است. عمرانی می گوید:

بر جهان فتنه‌ی غم انگیزد ، فتنه سازد که خون ما ریزد،  
ما و مطرب به یکدگر سازیم، سر غم را زتن بیاندازیم

توجه کنید که این شعر ساده تا چه حد یکی از اشعار معروف حافظ را تداعی می کند. یا مثلاً تاثیر سعدی را بر عمرانی مشاهده کنید:

خواجه، غافل مباش از درویش گوش کن، تا چه گفته اند زین پیش  
تا توانی ، درون کس مخراش مشفق و مهربان و مردم باش

بی شک بیت نخست الهام گرفته از سعدی است، و این در حالی که بیت دوم متعلق به خود عمرانی است. او در ادامه می گوید:

کار درویش و مستمند برآر تا تو را هم نیز برآید کار  
کاندرین راه خارها باشد هم ترا نیز کارها باشد

این دقیقاً همان پیامی است که از زبان سعدی در شعر بیان شده و بر عمرانی اثر گذاشته است. به تاثیر خیام بر این شاعر توجه کنیم:

مطربا ، ساز کن نوای عراق، تا دهم شرح روزگار فراق  
کو فریدون؟ کجاست کیخسرو؟ ساقیا ، جام جم بلده ، بشنو  
ای بسا کیقباد و کیکاوس که جهاندار دادشان افسوس  
کو سیاوش و رستم دستان همه رفتند، جام می بستان

و در یکی از منظومه های عمرانی که من آن را در بخش اشعار صوفیانه در کتاب "منتخب اشعار" گنجانیده ام، چنین آمده است:

دوش در سفره صفا بودم، با که گویم که در کجا بودم؟  
پرده داران خاص آن درگاه هر زمان می زدند بر من راه

توجه کنید که واژه هائی چون پرده داران، درگاه، راه زدن، تا چه حد با موسیقی ایرانی همراهی دارد و همان واژه هائی است که شاعران توانای ایرانی اکثراً در سروده های خود آن ها را به کار می برند.

هر زمانی به پرده ای دیگر	من دگر آمدم به پرده به در
چون حجاب من از میان برخاست	در پس پرده کار دل شد راست
جان و دل هر دو هم نفس گشتند	بنده بگذاشتند و بگذاشتند
در چنان حالتی که می دانی	پرده ای ماند پیش عمرانی
پس آن پرده دلبری دیدم	پرده برداشتم ، نترسیدم

دل چو کرد این دلاوری بنیاد، جان و دل یافتند کام و مراد  
تا رخ یار نازنین دیدم، از خود و خویش و یار ببریدم

توجه کنید که این یک سروده کاملاً صوفیانه است و عمرانی حالتی را توصیف می کند که تقریباً همان را ما در توصیف های شعرا و صوفیانی می بینیم که در مورد احوال و مقامات تصوف مطالبی نگاشته اند - برای نمونه "کشف المحجوب" اثر حُجَبیری، و یا "تذکره الاولیاء"ی عطار. عمرانی حتی در وصف میوه ها و سبزیجات شعر گفته است. مثلاً:

نباشد میوه ای خوشتر ز انگور لطیف و خوشخور و شیرین و پر زور

در کنار این اشعار شاعران یهودی ایرانی که از برجسته ترین آن ها نام بردیم، ما ترانه هائی هم در میان یهودیان ایران داریم که زندگی اجتماعی را نشان می دهد و فولکلوریک محسوب می شود که نمونه آن ترانه های عروسی است.

پرسش - بله دقیقاً می خواستم همین را بپرسم: یهودیان عروسی داشته اند، عزا داشتند، تولد داشتند، ختنه سوران داشتند و دیگر آئین های شاد و یا ناشاد. آیا شیوه زندگی یهودیان بازتابی بر اشعار این شاعران که از آن ها نام بردید داشته است؟

پاسخ - این واقعا یکی از ویژگی های بسیار جالب یهودیان ایران است. در همین دور و بر موضوع هائی که در طول عمر یک انسان روی می دهد، یهودیت واقعا یک دین استثنائی است. علت آن است که دایره زندگی هر یهودی وابسته به دایره بزرگتری است که سنن و آئین دینی است و به فرهنگ این ملت مربوط می شود. از همان دقیقه اولی که نوزاد چشم به جهان می گشاید، تا لحظه ای که چشم از جهان فرو می بندد، همه با امور دینی و نیایش ها ارتباط پیدا می کند و سنت و آئین هائی برای هر یک از موارد وجود داشته و دارد.

یهودیان ایران نیز در این زمینه آئین های ویژه خود را دارند که شبیه آئین های غیر یهودیان در کشور نیست. یهودیان ایرانی برای این ایام شادی و غم دارای اشعار مردمی بسیاری هستند که تصور نمی کنم به همان تعداد در جوامع یهودی دیگر کشورها چنین حجمی از سروده ها وجود داشته باشد.

نکته دیگری که باید در این فرصت گفته شود آن است که انسان ها همیشه به دنیا می آیند، در اکثر موارد عروسی می کنند، و همیشه هم می میرند. نمی توان گفت اشعاری که در میان یهودیان ایران به این مناسبت ها خوانده می شود چه زمان سروده شده است. آن ها قدمتی دارند که تشخیص آن برای ما امکان پذیر نیست. مسلماً هم نمی دانیم که این اشعار توسط چه فرد یا افرادی سروده شده است.

اگر حافظه من اشتباه نکند، حتی به یاد دارم که زنده نام پرویز ناتل خانلری جایزه گذاشت که "اتل متل توتوله" را کی نوشته است، از کجا آمده و چه قدمتی داشته است. واژه های این شعر عامیانه چه معنی می دهد و غیره. ما هم نمی دانیم که اشعار عروسی و عزا و شادی و غم یهودیان ایرانی چه هنگام نگاشته شده است. تنها چیزی که می دانیم آن است که در طول

تاریخ، تا آن جا که ما و پدران ما اطلاع داشته و داریم، این سروده ها وجود داشته و خوانده می شده است.

یک نمونه از این ترانه های فولکلوریک که در بین یهودیان رایج است و هنوز هم آن را می خوانند "شُدی حاتان" و یا "شیرای حاتانی" نام دارد، یعنی "ترانه دامادی" زیرا "شیرا" (שירה) (Shira) به مفهوم شعر یا سروده یا ترانه است و "حاتان" (Hatan חתן) به معنی داماد. این ترانه دامادی را با آهنگ ویژه ای می خوانند. ایکاش امکان داشت که این ترانه را کسی که صدای خوش دارد، همراه با نوازندگانی اجرا کند - ولی در هر حال شعر آن از این قرار است:

شُدی حاتان مبارک باد      هَشִׁם (پروردگار) پشت و پناهت باد

توجه کنید که در سراسر این ترانه، برخی واژه ها که جنبه مذهبی و یا مفاهیم ویژه دارد، مستقیماً به زبان عبری آورده شده است.

طویل عمری همراهت باد      به نیک نامی در بیسرائل  
ندا آمد که یا موسی      بگیر در دست تو این عصا  
برو در مصر، بکن "نس" ها      برای قوم بیسرائل

واژه عبری نس (Nes נס) به معنی معجزه است. همان گونه که توجه دارید، در ترجیع بندهای این ترانه، مرتباً واژه "بیسرائل" تکرار می شود که به مفهوم کل یهودیان است.

توجه بفرمائید که حتی در جشن عروسی، یهودیان دلبستگی خود را به گذشته و هویت ملی و دینی خود بیان می کنند و از آرزوها و آمال خود برای آینده سخن می گویند و در انتظار روزی هستند که منجی موعود ظهور کند و آنان را دوباره به سرزمین پدری رهنمون گردد.

الم واری بلندم کن      اگر زشتم، پسندم کن  
اگر تلخم، چوقندم کن      میان جمع بیسرائل

یادآوری می کنم که کاربرد واژه "بیسرائل" به دو معنی است: هم جامعه یهودیان، و هم سرزمین اسرائیل. در کشورهای دیگر دنیا هنگامی که از یهودی می پرسند که هستی، می گوید "من یهودی هستم". اگر آمریکائی باشد می گوید: I am a Jew ولی در ایران اگر از یک یهودی پرسید، می گوید "من یک بیسرائل هستم" - یعنی، او یهودی است. یادآوری کنیم که نام دیگر حضرت یعقوب "بیسرائل" است.

پرسش - می توان گفت که یهودیان در جشن عروسی خود، در شادترین روز زندگی اجتماعی، ترانه ای را با صدای بلند می خوانند که حکایت از هویت ملی و باور عمیق دینی آنان دارد که آرزوی روز نجات را می کنند تا بتوانند به سرزمین اسرائیل بازگردند.

پاسخ - نمی خواهم از هویت ملی سخن بگویم، بلکه مایلیم تاکید گذارم که این شعری با بار فرهنگی ۲۵۰۰ ساله جامعه یهودیان ایران است. جالب آن که در این ترانه، یهودیان هم ایرانی هستند (و واقعا و صد در صد ایرانی هستند) و هم یهودی متعلق به مکانی که در دوره باستان

از آن جا آمده و در ایران سکنی گزیده اند. آن ها هیچ گونه تناقض و تضادی بین یهودی بودن و ایرانی بودن نمی دیدند و تا امروز نیز تفاوتی بین این دو قائل نیستند.

به ترانه "شلی حاتان" برگردیم. سراینده خطاب به داماد می گوید:

قدت چون سرو آزاد است، رخت، چون مه خدا دادست  
چو یوسف شاخ شمشاد است شوی جبار در بیسرائل  
شود عمرت چو بن عمران شوی دلشاد به فرزندان  
(اشاره به حضرت موسی که ۱۲۰ سال زیست)

چو یعقوب نبی پر دان (پرفرزند) به کام دل در بیسرائل  
در این هفت روز تو آزادی به بزم و عیش پردازی  
(اشاره به جشن عروسی هفت روزه)

ولی خود را نیاندازی ز رسم و دین بیسرائل

(در این توصیه می گوید که شادی هر چه می خواهی بکن، ولی اصول دینی و اخلاقی را به دست فراموشی مسپار - زیرا دین یهود یک مجموعه اخلاقی نیز هست)

عروست کام دارت باد شود از غم دلت آزاد  
کند کاشانه ات آباد به نیک نامی به بیسرائل

شعر این ترانه بسیار طولانی است و تصور می کنم که بیش از سیصد بیت است و من تقریباً همه آن را در شماره نخست کتاب "پادیاوند" که در لوس آنجلس به چاپ رسید گنجانیده ام. برای رسیدن به همه این ابیات، من مجهز به دستگاه ضبط صوت، در برابر یهودیان بسیاری در اصفهان و شیراز و کرمان و شهرهای دیگر ایران نشستم و گوش کردم و یادداشت برداشتم و ضبط کردم.